



ایمان و امید

حلقه مفقوده سینمای ایران



سینماگران در حالی خود را صدای مردم معرفی می‌کنند که همواره نسبت به موضوعات اجتماعی و مشکلاتی که در مملکت وجود دارد و مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، بی‌توجه هستند. فیلم‌هایی که محتوایش هیچ ربط با مردم ندارد و به دور از هر اثرگذاری مثبتی در رفع ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی تنها بذریع اعتمادی و ناامیدی را در جامعه می‌پاشند

حالت درد و رنج خود دانست که به دلیل سبک زندگی‌ای که داشته وارد فضایی از حیات خود شده است که جز روان‌پریشکان درمان خودسرانه کارساز نیست. دکتری که از سر تعهدی که دارد باید شنوای درد بیمار باشد. اما مردم به‌عنوان مخاطب سینما بر مبنای کدام تعهد موظف‌اند که پای تلخ‌کامی‌های فیلمسازانی بنشینند که نه درد مردم بلکه از بیماری روان خود پرده برمی‌دارند و مردمی که از سر تفریح بلیت می‌خرند بعد از دیدن فیلم با روحیه خموده و ناامید و سرگردان از درب سینما بیرون می‌آیند. حال جامعه نه یک بیمار بلکه به تعداد مخاطبان آن فیلم ناامیدان افسرده حالی دارد که رمق زندگی در او مرده است و نای نفس کشیدن هم ندارد اگر نفسی مانده باشد.

نمایش قهرمان‌های معاصر و تاریخی آرامش بخش و امیدآفرین است

موضوعی که ناصر شفیعی مسئول جشنواره مردمی عمار در گفت‌وگو با دیار آفتاب بر آن تأکید می‌کند: «نگاهی به اماکن تاریخی، داشته‌های ادبی در حوزه‌های حماسی و آیینی، همچنین توجه به قهرمانان معاصر و حتی تاریخی و وجود مؤلفه‌های آرامش بخش و اطمینان دهنده و امیدآفرین دینی، نشان از ظرفیت‌های گسترده موجود در کشور برای ساخت یک اثر سینمایی دارد اما متأسفانه اهالی سینما به هیچ‌یک از این موارد توجهی ندارند و تلاش می‌کنند تا همه چیز محدود در زندگی پیرامونی‌شان باشد.»

سینمایی که نتواند در راستای امیدبخشی به جامعه و ترسیم آینده‌ای روشن و از طرف دیگر ارائه ارزش‌هایی آرامش بخش و اطمینان دهنده فعالیت کند، دقیقاً چه نوع هدفی را دنبال می‌کند و جز ایجاد سرمایه‌های کلان برای عده‌ای خاص چه سوددهی دیگری برای جامعه دارد.

سینمایی که محدود به چهارچوب‌های عده‌ای خاص است و به تعبیری دنیای محدود خود را می‌سازد و به دنیای آرمانی یک ملت کاری ندارند؛ سینمایی که می‌تواند به‌عنوان یک نیرو محرکه اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی و فرهنگی نقش ایفا کند و در حوزه‌های تربیتی کودکان و نوجوانان، پرداخت به دستاوردها، پرداخت به داشته‌های فرهنگی و تاریخی وارد شود؛ این مسأله‌ای است که در سینمای حال حاضر دیده نمی‌شود.

اولین متهم این عرصه شیوه‌نامه نظارتی بر سینماست. ارگان‌های نظارتی که در تدوین اساسنامه‌های خود نسبت به حق معنوی بینندگان و تماشاگران خود بی‌توجه هستند و همواره از حقوق سینما در مقابل مردم کم سخت‌گرفته شده است. امری که نیازمند تصویب قوانینی در این زمینه است.

این قوانین که به موجب آن ساخت فیلم‌هایی با محتواهای مخربی هم چون یأس و ناامیدی از دایره تولید خارج شوند و برای ساخت فیلم‌هایی با محتوای امیدآفرین امتیازات ویژه‌ای قائل شود. کاری که امروز در سینمای هالیوود در حال رخ دادن است.

اگر از میان فیلم‌های هالیوودی مضامین و محتوای آنها را زیرو رو کنیم، فیلمی با مضمون سیاه‌نمایی از جامعه آمریکایی پیدا نمی‌کنیم، هرچند که نسخه سیاه‌نمایی تنها برای کشورهای جهان سوم نوشته می‌شود و براساس قواعد از پیش تعیین شده در جشنواره‌های خارجی فیلم‌هایی از کشورهای جهان سوم مورد پذیرش است که بهترین تصویر از ناامیدی و سیاه‌نمایی را از جامعه خود ارائه دهند. تسخه‌ای به صورت مستقیم «ایمان و امید» را نشانه گرفته است.

اهتمام به سوق دادن جامعه به پرتگاه ناامیدی

مروری بر محتوای غالب فیلم‌های سینمایی نشان می‌دهد که این بخش مهم فرهنگی نه تنها در امیدآفرینی اجتماعی کارآمد نبوده بلکه تمام اهتمام خود را بر ترویج مفاهیمی به کار بسته است که جامعه را به پرتگاه ناامیدی سوق می‌دهد. براساس دیدگاه متفکرین سینمایی، هنر هفتم در بعد غالب خود همواره اصالت خود را بر سیاه‌نمایی و ناامیدی در جامعه دینی، سوپرکتویسم، عدم توجه به احساسات فطری مخاطب، انتخاب سوزهای روشن‌فکری، جشنواره پسند بودن، نگاه کارکردی به دین، بیان درد بدون راهکار، عدم توجه به مذهب و نسبی‌گرایی امیدآفرینی در جامعه استوار کرده است.

قاب بستن از مشکلات مردم بدون نگاه مصلحانه

بیان ناامیدی و سیاه‌نمایی در عرصه سینمایی تنها این نیست که مسائل و مشکلات گفته نشود بلکه اگر از مشکلات مردم قابی بسته می‌شود باید نگاهش مصلحانه باشد یعنی بتواند که برای رفع آن راهکار ارائه کرد یعنی هدف باید بیان حقایقی باشد که بتواند در آینده راهگشایی بیابد. این در حالی است که مخاطب بعد از دیدن این سیاهی‌ها تلاش برای از بین بردن آن و پیشرفت و آبادی وطن حسی دریافت نمی‌کند؟ پاسخ روشن است؛ فیلمساز مرز بین واقعیت و سیاه‌نمایی را درک نکرده و به‌هیچ‌وجه در آثارش طرح مسأله وجود ندارد. طرح مسأله یعنی معلومات و مجهولات، داشته‌ها و نداشته‌ها و... را در کنار هم نشان دادند.

برخی کارشناسان فرهنگی از جمله وحید جلیلی معتقدند هنری مردمی است که داشته‌های مردم را به رخ بکشد و در کنار آن آسیب‌ها را نیز نمایش بگذارد. در واقع نمایش آسیب‌ها به قصد حل شدن آن با نگاهی امیدوارانه و خلاقانه و درعین حال کارشناسی شده می‌تواند مفید واقع شود.

سینماگران در حالی خود را صدای مردم معرفی می‌کنند که همواره نسبت به موضوعات اجتماعی و مشکلاتی که در مملکت وجود دارد و مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، بی‌توجه هستند. فیلم‌هایی که محتوایش هیچ ربط با مردم ندارد و به دور از هر اثرگذاری مثبتی در رفع ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی تنها بذریع اعتمادی و ناامیدی را در جامعه می‌پاشند.

در این شرایط است که امیددهی به جامعه اصلی‌ترین نیاز مردم است اما آنچه دیده می‌شود سینمای خالی از امید، خالی از آرمان و خالی از مبانی و ارزش‌های یک ملت است و دقیقاً مشخص نیست که این سینما برای کدام ملت فیلم می‌سازد و در کل، فلسفه وجودی این سینما چیست؟

فیلمی که نه با مشکلات مردم مرتبط است نه اثرگذاری مثبتی در جامعه دارد مشخص نیست طی این سال‌ها مدیران فرهنگی و فیلمسازان با چه هدفی بر این دست از فیلم‌ها اصرار داشته‌اند. بی‌توجهی چهل و چند ساله سینما بر اثرگذاری مخرب این رویکرد بر محتوا سبب شده تا رهبر انقلاب در کنار سایر علل عوامل اثرگذار، صراحتاً اعلام کند هرکس در جامعه ناامیدی را ترویج کند هم‌داستان با دشمنان این سرزمین است. بنابراین درخوش‌بینانه‌ترین حالت هدف فیلمساز را می‌توان بیان

هائیه شجاعی زند

نویسنده



هنگامی عنوان عدم توجه به «ایمان و امید» طی فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اهتمام ویژه ارکان وزارت ارشاد به میان آمد که پدیده هولناک سیاه‌نمایی و ناامیدی طی پروژه‌های فرهنگی به خصوص در حوزه فیلم‌های سینما به مرور زمان پررنگ‌تر شد و به عنوان جنگ نرم فرهنگی در مقابله با مهم‌ترین نرم‌افزار نهضت امام یعنی «ایمان و امید» اساس محتوای آثار سینمایی گردید. محتوایی که اگر خط و ربطش را پیدا کنید نه در جامعه ایران بلکه از مسیر ماهواره و فضاهای سایبری در کشور جریان‌سازی می‌کنند. جریان‌هایی که فیلمسازان ایرانی، آینده درخشان خود را در همصدایی با این جریان دیده‌اند و مسئولانی که برای این هنرنمایی‌ها جوایز کنار می‌گذارند تا انگیزه‌ساز نسل بعدی انقلاب باشند که اگر می‌خواهید در این عرصه موفق شوید ادامه‌دهنده همان جریانی باشید که آشخورش از خارج از مرزها می‌آید و تمام تمرکزش روی مقابله با دو عنصر اساسی جامعه یعنی نابودی «ایمان و امید» است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی به دنبال این انحرافات معنایی و محتوایی در جامعه، در سخنرانی خود به مناسبت، سالگرد امام راحل بر دو عنصر اصلی نرم‌افزاری نهضت امام تأکید کردند: «ایمان و امید» دو موضوعی که با حوزه مأموریتی وزارت فرهنگ نسبت مستقیم دارد. نسبتی که در عملکرد این وزارتخانه، نمود کم‌رنگی دارد تا آنجا که رهبر انقلاب در مهم‌ترین سخنرانی سالانه خود در میان جمع انبوهی از مردم و مسئولین، این مهم را با تأکید متذکر شدند. موضوعی که در روند تحولی انقلاب از بدو شکل-گیری که نه از دورانی که مردم مجاهد و انقلابی با تأسی از رهبر خود با ایمانی راسخ و امید به پیروزی کمر همت بستند و تا امروز پای سخت‌ترین دشمنان این نظام ایستادند همواره از مهم‌ترین عناصر راهبردی بوده است و به واسطه همین اثرگذاری‌ها همواره مورد آماج و حمله دشمنان ایران و اسلام قرار گرفته است. گویی دشمن خیلی جلوتر از مسئولان فرهنگی ایران به اهمیت این دو اصل را پی برده است چرا که هرکجا که ضربه خورده‌اند از ایمان و امید ملت ایران بوده است.

سخن گفتن از امید و امیدآفرینی درباره آینده بر این پیش‌فرض استوار نیست که تمام مشکلات جامعه ناشی از یک «احساس منفی» است؛ بلکه منظور دگرگون کردن حقایق است تا از این مسیر اراده ملت سست شود. مقام معظم رهبری در تشریح معنا و مفهوم ناامیدی در کشور می‌فرمایند: هدفشان خاموش کردن امیدهاست، می‌خواهند شعله امید را در دل جوانان ما خاموش کنند، جوان را مأیوس کنند. یأس یعنی بن‌بست؛ وقتی که جوان از پیشرفت مأیوس شد، از آینده مأیوس شد، احساس بن‌بست می‌کند؛ از کسی که احساس بن‌بست می‌کند، نمی‌شود توقع داشت درست کار کند. می‌خواهند اختلاف‌افکنی کنند، می‌خواهند در کشور دوقطبی ایجاد کنند؛ می‌خواهند نرم‌افزار واقعی قدرت ملی کشور را از دست ملت بگیرند، بی‌اثر کنند؛ این نرم‌افزار عبارت است از ایمان مردم، ارزش‌های دینی مردم، ارزش‌های ملی مردم، اعتقادات مردم، وقتی این کارها را انجام دادند، دنبال این هستند که در کشور بی‌ثباتی به وجود بیاید، ناامنی به وجود بیاید، اگر بتوانند جنگ داخلی ایجاد کنند؛ که البته سرشان به سنگ خورده است و خواهد خورد.»

تذکراتی که رهبر انقلاب با توجه به شرایط حاکم به‌خصوص در بخش فرهنگی جامعه مدام بر آن تأکید داشته‌اند اما سینما همچنان راه خود را می‌رود.